
موانع اجرای عدالت اجتماعی با محوریت بیانیه گام دوم

صدیقه طوسی^۱

چکیده

عدالت آرمانی انسانی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. از سپیده دم آفرینش به عنوان یک گرایش فطری در نهاد همه انسان‌ها نهادینه شده و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء الهی اجرای صحیح آن در سطح جوامع بشری بوده است. یکی از مهم‌ترین اقسام عدالت، عدالت اجتماعی به معنای بهره‌مندی همه افراد جامعه از امکانات عمومی، بر اساس ظرفیت‌ها و استعدادهاشان است. اجرای این امر ضروری جامعه، علاوه بر ایجاد زمینه‌های لازم، نیازمند رفع موانع و چالش‌های پیش روی آن نیز می‌باشد. به همین دلیل رهبر معظم علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب که یکی از سیاست‌های بلند مدت جمهوری اسلامی و چراغ هدایت نسل جوان کشور است، با مخاطب قرار دادن ملت ایران به ویژه جوانان و مسئولان و کارگزاران نظام، برخی از موانع سدّ راه اجرای عدالت اجتماعی را بیان نموده‌اند که پژوهش ذیل با محوریت این بیانیه ارزشمند به روش توصیفی - تبیینی و با بهره‌گیری از کتب اخلاقی، سیاسی، روایی و تفسیری، به نگارش درآمده است. این موانع عبارتند از: فساد، وسوسه امیالی مثل مال و مقام و ریاست، حرص و طمع و حرام‌خواری (لقمه حرام) است و منشأ این آفات در واقع چیزی جز پیروی اشخاص از هواهای نفسانی

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهراء علیها السلام گذشت. reza.zh.2018@gmail.com

آنها نیست و بهترین راه برطرف کردن این مانع، تلاش برای جهاد با نفس و تزکیه می باشد. بخشی از این موانع ناظر به قوای سه گانه و عدم نظارت و قاطعیت آنها نسبت به بخش های مرتبط و ذی ربط آنها می شود که رفع این مانع نیازمند نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع بر عملکرد آنهاست.

کلید واژگان: اجرای عدالت اجتماعی، بیانیه گام دوم، فساد، موانع.

مقدمه

عدالت اجتماعی یکی از والاترین ارزش‌های انسانی است که با فراگیر شدن آن، هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و همه عناصر و اشخاص جامعه به تناسب ظرفیت‌ها و استعدادهایشان در جایگاه شایسته خویش قرار می‌گیرند. در تعالیم دین مبین اسلام، مهم‌ترین فلسفه تشکیل حکومت الهی ارسال رسل، اجرای این فضیلت اجتماعی معرفی شده، همچنین روایات ناب معصومین و سیره علمی آنها در پیاده‌سازی این امر حیاتی، موید اهمیت این مطلب می‌باشد. از طرفی نیز اجرای این آرمان والا همیشه آسان نیست و با موانعی که برخی از آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، مواجه می‌شود که غفلت از این عوامل پرواز به سوی قله‌های رفیع عدل و داد را با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌سازد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب که منشور تمدن‌سازی نسل آینده محسوب می‌شود در چهارمین بند از توصیه‌های هفت‌گانه خود به جوانان و مسئولین نظام اهمیت این مسئله را بیان نموده و در قالب ارائه راهکارهای اجرای عدالت به برخی از موانع نیل به این آرمان اشاره داشته‌اند که تحقیق حاضر با محوریت این بیانیه برخی از موانع اجرای عدالت اجتماعی را بیان و بررسی نموده است.

لازم به ذکر است که منظور معظم له و پژوهش حاضر از بیان برخی از این موانع، این نیست که نظام اسلامی، نظامی ناعادلانه است یا همه مسئولین کشوری از عدل و انصاف به دورند، بلکه منظور این است که در اجرای این امر مهم، با شاخصه‌های اسلامی و الهی فاصله داریم و کم کردن این فاصله جز با شناخت موانع و تلاش همگانی برای رفع آنها میسر نخواهد شد. در مورد پیشینه این مقاله می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ کتاب اصلاحات، راهنمای مبارزه با فقر، فساد و تبعیض تألیف اسماعیل پرور (۱۳۸۰)، کتاب استکبار و استضعاف در قرآن، تألیف محمد سروش (بی تا)، «بیانیه گام دوم انقلاب» بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام (۹۷/۱۱/۲۲) تدوین و در سایت farsi.khamenei.ir قابل دسترسی است که این مقاله به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب ابتدا به تبیین دستاوردهای

شگرف چهل دهه گذشته پرداخته، سپس با ایراد توصیه‌هایی کلیدی هفت‌گانه ملت ایران به چاپ رسیده که در این مقاله بعد از بیان ویژگی‌های بیانیه گام دوم، به بیان عدالت و الزامات تحقق عدالت در بیانیه که شامل قوانین عادلانه و مجریان عادل و با تقوی و نظارت و آگاهی مردم - گفتمان سازی، مجاهدت، مبارزه ایستادگی و تحقق همزمان عدالت و دیگر ارزش‌ها می‌شود، پرداخته است. مقاله عدالت اجتماعی یعنی یکسان بودن فرصت‌ها جمله تأمل برانگیز رهبر انقلاب علیه السلام درباره عدالت اجتماعی، «دانشجویان در مطالبه عدالت کوتاهی کرده‌اند.» (۹۳/۱۱/۱۵) که این مقاله گفتگویی با صمد عزیزی که یکی از فعالین سابق دانشجویی ترتیب داده و درباره سخنان رهبر انقلاب علیه السلام در مورد عدالت اجتماعی سئوالاتی مطرح و این فعال دانشجویی پاسخ می‌دهد.

۱. مفهوم شناسی:

آشنایی با موانع اجرای عدالت اجتماعی، درگام اول نیازمند آشنایی با مفهوم عدالت اجتماعی است؛ لذا در ابتدا تعریف مختصری از این واژه ارائه می‌گردد:

۱. مفهوم عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، اصطلاحی سیاسی، اجتماعی به معانی برقراری شرایط و دفع موانع جهت بهره‌مندی همه مردم به طور یکسان از امکانات عمومی موجود است به این معنا که هر کسی به تناسب شایستگی‌های فردی و اجتماعی، صنفی و طبقاتی خود بتواند در جایگاه شایسته خودش قرار گیرد و پایگاه و منزلت او بنابر استعداد و استحقاقش تعیین گردد. (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که عدل برتر است یا جود ابتدا به معنای عدل و جود پرداخته، آنگاه عدل را اشرف و افضل معرفی کرد. آنجا حضرت علیه السلام در معنای عدل فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۳۷، ص ۵۵۳). «عدالت یعنی؛ هر چیزی را جای خود قرار دهیم.» بنابراین طبق فرمایش امام علی علیه السلام عدل

جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد، اما جود جریان‌ها را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد. زیرا به هر کس به اندازه توانایی و شایستگی‌اش استحقاق‌های طبیعی و واقعی خود را می‌دهد. عدالت اجتماعی در اسلام ایجاد حالت توازن میان افراد اجتماع متناسب با وضع اجتماعی شهروندان از وظایف اصلی حکومت اسلامی است که این اصل عدم انعطاف در اجرای عدالت را ثابت می‌کند. (مرکز تحقیقات قائمیه، ۱۳۹۱، ص ۳۱۴۱. www.madiryar.com) تحقق و اجرای عدالت اجتماعی در طول تاریخ بشریت همواره با موانعی رو به رو است به هر آنچه که کسی را از کاری باز دارد و یا مانع اجرای کاری گردد مانع گفته می‌شود. و موانع یعنی چیزهایی که بازدارند و ممانعت کنند کسی را از کاری و هر آنچه مانع اجرای کاری گردد. (دهخدا، بی تا، www.vajeab.com) با توجه به تعریف فوق موانع اجرای عدالت اجتماعی به آن عواملی است که جامعه را از نیل و رسیدن به اجرای عدالت بازمی‌دارد. به عبارت دیگر اگر زمینه‌های اجرای عدالت ایجاد نشود یا مطابق آن رفتار نگردد همه آنها به موانع اجرای عدالت مبدل می‌شود.

۲.۱. مفهوم حرص

حرص عبارت است از تعدی و افراط علاقه و تجاوز میل انسان به سری امور مادی و منافع دنیوی، به طوری که از حد اعتدال و میزان صحیح و حدود و وظایف الهی خارج گشته و فعالیت‌های ناروا و حرکات برخلاف عبودیت از او سر بزند و مسلم است که مهربانی و رحمن حق تعالی در مواردی که جریان عدالت و انجام وظایف عبودیت رعایت شود، جریان پیدا کرده و ظهور می‌کند. (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳)

فضیل بن عیاض: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا می‌دانی شحیح کیست؟ عرض کردم شحیح بخیل، فرمود؛ تنگ نظری (شحیح) بیشتر از بخیل می‌باشد، زیرا بخیل شخصی را می‌گویند که از بخشیدن آنچه خویش دارد، خودداری می‌کند و (شحیح) کسی است که حرص و لثامت دارد، هم نیست به دارائی‌های خود و هم نسبت به آنچه مردم دارند و علاوه بر آن چنان اسیر حرص و آز می‌باشد که هر چیزی در اختیار مردم ببیند دلش می‌خواهد

جزء اموال او باشد، چه از راه حلال و چه از راه حرام بدست آورد و به آنچه نصیبش نموده سیر و قانع نمی‌گردد. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۲/۱۰۲) بنابراین نعمت‌های مادی دنیا ذاتاً مذموم و زشت نیستند بلکه تابع چگونگی بهره‌گیری از آنهاست که به آنها این شکل را می‌دهد. اگر از آنها به طور صحیح بهره‌گیری شود، چهره‌ای محبوب و مطلوب دارد در غیر این صورت منفورند. هر گاه مواهب دنیا ابزاری برای وصول به آخرت و کمک به نیازمندان و حمایت از ضعفا و ترویج و تحکیم پایه‌های حق و عدالت باشد، چیزی بهتر از آن نیست و اگر در مسیر گناه و حرص صرف گردد، چیزی بدتر از آن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲/۱۱۶)

حرص توأم با غضب الهی است در صورتی که ایمان یقینی نیست حرص جریان پیدا می‌کند و در صورتی که ایمان کسی به مرتبه یقین، تسلیم شدن در مقابل فرمان و حکم و صلاح‌دید پروردگار متعال است و هرگز طمع و حرص در این مرحله، صورت خارجی پیدا نخواهد کرد. (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳)

۲. اهمیت اجرای عدل در اسلام از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

از منظر اسلام عدل از اهمیت ویژه و جایگاه والایی برخوردار است و مانند مساله‌ی توحید در تمام اصول و فروع اسلام ریشه دوانده است. عدالت یک آرمان مقدس و با ارزش است که مسلمانان هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی و در تمام روابط و پیوندهای خود باید آن را عملی سازند. (خاتمی ساروی، ۱۳۹۶، ص ۴۶). مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: نظام اسلامی، نظام عدالت است لذا در آیه شریفه قرآن، فرستادن پیامبران و نازل شدن کتب آسمانی را به هدف اقامه قسط معین فرموده است (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۴۵). «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه ۲۶). «قسط» در بیشتر موارد استعمال بر همان عدالت اجتماعی تطبیق می‌شود، راغب می‌نویسد «قسط» بهره‌ای است که از راه عدل عاید می‌شود. (حیدری نراقی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۹). بنابراین عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت الهی و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۹۷/۱۱/۲۲، farsi.khamenei.ir)

به طوری که رهبر انقلاب علیه السلام به عنوان حاکم جامعه و یکی از رهروان مکتب اسلام و انبیاء و اولیاء وارسته این دین مقدس، بعد از چهل سال تلاش مستمر و گذر از موانع و چالش‌ها و در مطلع فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران، با بیان شأن و جایگاه این فریضه در دین، بر این اصل مهم و حیاتی اشاره نموده و برخی از موانع مهم تحقق و اجرای آن را بیان فرموده است که اگر قرار باشد قطار انقلاب همچون گذشته روشن خود و برتر از آن، مسیر تکامل و سعادت خویش را به بهترین وجه طی کند، باید این موانع برطرف گردد که طبق بیان رهبر حکیم انقلاب علیه السلام این موانع از مفاسد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی نشأت می‌گیرد و اجرای عدالت مستلزم شناخت و رفع این مفاسد است که در ذیل به برخی از این موانع اشاره می‌گردد.

۳. موانع اخلاقی

یکی از وظایف حکومت اسلامی زمینه‌سازی برای رشد ایمان و اخلاق اسلامی در جامعه است که اگر این زمینه فراهم نشود و مردم و مسئولین در رأس جامعه با پیروی از هواهای نفسانی خویش و با زیاده‌خواهی و افزون طلبی روی آورند و دچار انحرافات اخلاقی باشند از جمله موانع اخلاقی عبارتند از:

۳.۱. فساد

عدالت قانونی است فراگیر که همه ابعاد زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد و نظام هستی بر محور آن می‌چرخد. عدالت اجتماعی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که شامل ابعاد روحی، جسمی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی می‌شود. همان گونه که فرشتگان به هنگام خلقت انسان بر روی زمین پیش بینی کردند و گفتند: «آیا بر روی زمین کسانی را قرار می‌دهی که در آن فساد می‌کنند و خون می‌ریزند؟» از همان آغاز فساد حاکم شد، جور و ستم آغاز گردید، قابیل برادرش هابیل را به قتل رسانید و تاکنون این فساد و تباهی سرتاسر گیتی را فراگرفته است. و اگر در نوار خاصی از مکان و محدوده خاصی از زمان (چون عهد رسالت و ایام

خلافت مولای متقیان) عدالت حاکم بوده، از نظر زمان و مکان آنقدر محدود بود، که در برابر جور و ستم حاکم بر کره خاکی در طول قرون و اعصار بسیار ناچیز می‌باشد. از این رهگذر به جرأت می‌توان گفت: هدف نهایی از بعثت پیامبران، (که برقراری قسط و عدل است) هنوز جامه عمل نپوشیده است. (مهدی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۹).

به همین دلیل یکی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام برای برقراری عدالت مبارزه با فساد می‌باشد. ایشان دو مفهوم گسترش عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم هم دانسته و هر یک از مصادیق فساد مانند فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را توده چرکین کشورها بیان نموده‌اند که در بدنه حکومت‌ها عارض شود زلزله‌ای ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها خواهد بود. به طوری که از دیدگاه ایشان شرط مشروعیت همه مقامات حکومت اسلامی «طهارت اقتصادی» معرفی شده است. فساد در میان کارگزاران شامل موارد ذیل می‌شود:

۲.۳. وسوسه مال و مقام و ریاست

نگاه اجمالی به آیات قرآن نشان دهنده این است که دنیا بازار است و تمام مردم، عمر و توان و استعداد خودشان را در آن عرضه می‌کنند و فروش جنس در این بازار اجباری است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس کشیدن انسان گاهی به صورت مرگ است. پس انسان الزاماً عمر را هر لحظه از دست می‌دهد و در این بازار آنچه مهم است، انتخاب مشتری است و بستگی به افراد دارد که چه مشتری انتخاب کنند. افرادی با خدا معامله می‌کنند و هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشته و در راه او و برای رضای او گام برمی‌دارند، این افراد عمر فانی باقی کرده و دنیا را با بهشت رضوان الهی معامله می‌کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰/۵۸۵). همانند حضرت علی علیه السلام که عارفی آگاه، زهد این امام همام را اینگونه توصیف می‌کند. دنیا در نظر ایشان پست‌تر از خاکستری بود که در برابر گردبادهای طوفانی قرار گرفته باشد، و مرگ از نظر وی آسان‌تر از خوردن آب هنگام تشنگی شدید بود. حکومت برای ایشان هدف نبود و حرص به مقام و به دست آوردن تخت و صندلی نداشت، امام حکومت را برای رسانیدن هر صاحب حقی به حقش، و جهت گسترانیدن عدالت در همه شئون

زندگی می‌خواست. (انصاریان، بی‌تا، ۸ / ۳۰۶).

افرادی نیز هستند که در این بازار، عمر خود را به هوس‌های خود و یا دیگران بفروشد و به فکر رضای خداوند نباشند که در دید این گروه، زرنگ و زیرک کسی است که بتواند با هر کار و کلام و شیوه‌ای، خواه حق و خواه باطل، زندگی مرفهی برای خود درست کند و در جامعه شهرت و محبوبیتی یا مقام و مدالی کسب کند، اما در فرهنگ اسلامی زیرک کسی است که از نفس خود حساب بکشد و آنرا رها نکند، برای زندگی ابدی کار کند و هر روزش بهتر از دیروزش باشد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱۰ / ۵۸۷).

به همین دلیل رهبر حکیم و زاهد جمهوری اسلامی علیه السلام می‌فرماید: وسوسه مال و مقام و یاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند هرگز بعید نبوده و نیست. (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و همگان به ویژه کارگزاران حکومتی را از این صفت رذیله برحذر داشته و آنها را به زهد و قناعت توصیه می‌نماید. به عبارت دیگر مسأله اساسی که در انقلاب اسلامی هدف اعلی و والا به حساب می‌آید عبارت از تزکیه نفس است برای مردم واقع بین روشن است که منشأ شرور نفسانی و آفات اخلاقی کشش‌های غریزی و خواهشهای نفسانی است. غرایز و تمایلات، با قدرتی در وجود انسان حکومت می‌کند و در خواسته‌های خود حد و مرزی نمی‌شناسد بلکه فقط رضای خود را می‌طلبد و برای نیل به هدف هر عمل زشت و ضد اخلاقی را روا می‌دارند. (حیدری نراقی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) به همین دلیل جهاد اکبر، در لسان روایات، جهاد با نفس سرکش و غلبه بر هوی و تمایلات است. کسی که در پرتو قدرت اراده و تصمیم جهاد با نفس پیروز می‌شود هرگز دستش به تجاوز و ستم دراز نمی‌شود و دامن خود را به تعدی و ظلم به این و آن آلوده نمی‌نماید. (همان، ص ۴۱)

۳.۳. حرص و طمع

عدل مقدمهٔ تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران الهی برای همین است. (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۹۴). «إنما بعثت لأتم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱/۱۶) پیامبر (ﷺ) می‌فرماید: «همانا من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شدم.»

تخلق به اخلاق و صفات الهی جز با شناخت آنها و برطرف کردن راه‌های کسب آنها میسر نمی‌شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، عدل یعنی اعتدال و میانه‌روی (افرام بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۲) و این میانه‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی نیز ملاک و مورد توجه دین است در حالی که گاهی اوقات، برخی از انسان‌ها به ویژه زمانی که به منصب و مقامی می‌رسند، از حد اعتدال در بهره‌مندی از نعمت‌های مادی خارج شده و با حرص و طمع بیشتر خواهاد افزایش مال خود می‌شوند. به همین دلیل امام خامنه‌ای (ﷺ) در بیانیه گام دوم خویش در بیان موانع اجرای عدالت به این رذیله اخلاقی اشاره نموده و همگان به ویژه مسئولین را از حرص برحذر داشته، فرموده‌اند: «همه باید از حرص برحذر باشند و از خداوند در این باره کمک بخواهند.»

۳.۴. استفاده از لقمه حرام

رزق حلال و درآمد مشروع، نعمت الهی است و ثروت‌های بدست آمده از راه گناه و خلاف، حرام است و خوردن آن حرام خواری نامیده می‌شود. در مورد نکوهش حرام خواری رسول خدا (ﷺ) فرمودند: «من اکل لقمه حرام لم تقبل له صلاه اربعین ليله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۳ / ۳۱۴). «هر کس یک لقمه حرام بخورد، تا چهل روز نماز او قبول نمی‌شود.» همچنین فرمودند: «من اکتسب مالا من غیر حله کان راده الی النار» (مفید، ۱۳۱۳، ص ۲۴۹). «هر کس از راه غیر حلال، ثروت بدست آورد او را به دوزخ بازمی‌گردانند.» این روایات بیانگر این است که یک مسلمان باید در زندگی خود یک انضباط اقتصادی داشته باشد. و از خط قرمز دین عبور نکند و هر مالی را از هر راهی که باشد بدست نیاورد از طرفی

نیز خرج کردن اموال در راه خدا پسند و جایز و مشروع باشد. (محدثی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹) مرحوم ملا احمد نراقی مال حرام را بزرگترین عامل هلاکت انسان و مهم‌ترین موانع رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی معرفی می‌کند و می‌فرماید: بیشتر کسانی که به هلاکت رسیدند، به سبب خوردن مال حرام بوده و اکثر مردمی که از فیوضات و سعادات محروم ماندند به واسطه آن است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۶۹)

حرام خواری آثار منفی بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی بشر به جای می‌گذارد که در ذیل به اختصار بیان می‌گردد: در سخنان اولیای دین؛ عدم استجابت دعا، عدم قبولی اعمال، سیاهی دل، لعن فرشتگان و عدم شناخت اهل بیت از جمله آثار فردی این گناه است. (همان)

بررسی آثار اجتماعی مال حرام نشان می‌دهد که وقتی فرد اجتماع، از گرفتن مال حرام ابائی نداشته باشند و هر کس تنها به این فکر باشد که چگونه جیب خود را از جیب دیگران پر کند، روح برادری و نوع دوستی از جامعه رخت برمی‌بندد و در نتیجه اخلاق اجتماعی در جامعه به خطر می‌افتد، چرا که تغییر سرنوشت اجتماع، در گرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است. به عبارت دیگر درآمدهای حرام در جامعه، منشأ ایجاد کینه و دشمنی می‌شود و صلح و صفا را از بین می‌برد و چون افراد حریم‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند فرقی میان خیانت، دزدی، کلاه‌برداری و... نیست و باعث می‌شود امنیت اجتماعی از بین برود. همچنین گسترش لقمه حرام در جامعه موجب از بین رفتن فضائل می‌گردد، و نه تنها فرد را از انسانیت ساقط می‌کند بلکه اجتماع را نیز به مخاطره می‌اندازد و باعث متلاشی شدن اصول اخلاق اجتماعی و شیوع هرج و مرج و بی‌بندوباری در جامعه می‌گردد. (همان، ص ۴۷۰) عدالت اجتماعی یکی از مهمترین اصول اخلاق اجتماعی است که رواج لقمه حرام در جامعه باعث آسیب‌های جدی به پیکره این اصل می‌شود.

به همین دلیل مقام معظم رهبری علیه السلام حکیم با درایت، با آگاهی از خطرات و آثار جبران ناپذیر حرام‌خواری در جامعه، همگان به ویژه مسئولان نظام را از این بیماری مهلک که از

حرص و طمع و ضعف ایمان اشخاص سرچشمه می‌گیرد، برحذر می‌دارند و می‌فرماید: همه باید از لقمه حرام بگریزند و در این راه از خداوند کمک بخواهند.

بنابراین، اجرای عدالت اجتماعی به پرورش و تربیت انسان‌هایی نیازمند است که با مجاهدت خود، نفس خویش را از هرگونه آلودگی، پیروزی از هواهای نفسانی، وسوسه‌های شیطانی و حرص و طمع بازداشته و از حرام‌خواری منع نموده تا با رفع این موانع جاده نیل به این غایت مهم هموار گردد.

۴. موانع اجتماعی سیاسی

دنیا لغزشگاه است و جاذبه‌های دنیا لغزش آفرین که متأسفانه برخی از کارگزاران دولتی و حکومتی به این جاذبه‌ها و لغزش‌ها آلوده می‌شوند که اگر نیروی نظارتی قاطع بر آنها نظارت و دقت لازم را نداشته باشد یا در برابر این ناهنجاری‌ها سکوت کرده و با این مسئولین مدارا داشته باشد و به این خاطیان میدان دهد، مسلماً اجرای عدالت اجتماعی به معنای واقعی میسر نخواهد شد. که در ذیل این موانع بیان و بررسی می‌گردد:

۱.۴. عدم نظارت و قاطعیت مستمر بر قوای سه گانه

با توجه به اینکه ارکان قدرت در کشور ما قوای سه گانه (مقننه، قضائیه، مجریه) هستند، مسلماً اگر پیکره این سه قوه با فساد توأم باشد یا بر دستگاه‌های زیر دست خود نظارت نداشته باشند و آنها دچار فساد باشند این نقص و نابسامانی بر همه بخش‌های حکومتی سرایت کرده و حرکت کاروان کشور به سوی اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی، یا مشکلات فراوانی مواجه می‌گردد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم می‌فرماید: باید دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند. (بیانیه گام دوم انقلاب). (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مسئولان در گزینش کارگزاران باید نهایت دقت را داشته باشند تا مردمی، نیک خوی و

استوار را برای کاربرگزیینند. اگر به چنین هدفی نائل آمدند نیز نباید از امکان فساد اداری و به وجود آمدن تخلف از قانون و ناهنجاری در رفتار آسوده خاطر باشند. از این رو تشکیلاتی که ناظر بر رفتار کارگزاران و نگران لغزش‌ها و ناهنجاری‌های اداری باشد، ضروری است.

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، تجسس در اموال شخصی را در نظام حکومتی به شدت ممنوع نمودند از طرفی نیز بر مراقبت از کارمندان نظام و نظارت بر رفتار کارگزاران از طریق اطلاعاتی، تأکید ورزیدند تا مبادا کارگزاران در انجام وظایف کوتاهی کنند و با تأکید بر قدرت و مسندی که در اختیار دارند به حقوق مردم تجاوز روا دارند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶).

قاطعیت به معنای فیصله دادن به امور و حل مشکلات است. این امر با یکدندگی و لجبازی تفاوت دارد. برخی قاطعیت و پافشاری بیش از حد و عدم انعطاف‌پذیری و برخی دیگر آن را سخت‌گیری می‌دانند در حالی که قاطعیت دارای دو نمود مهم است: یافتن تصمیمی کارساز و کامل و دیگری؛ ابراز تصمیم قاطع و به دور از شک و تردید.

یقیناً تردید، دودلی، ترس، هوس‌های زودگذر، استهزاء و حرف مردم از موانع قاطعیت هستند. (مرکز تحقیقات قائمیه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱. Madiryar.com) به همین دلیل رهبر معظم انقلاب در ادامه بیانیه خویش می‌فرماید: این مبارزه و قاطعیت، نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است که امید است مسئولین کشور، بیش از پیش در این راه تلاش نمایند و با تهذیب نفس و تقوا و توکل بر خدا در این مسیر پرفراز و نشیب گام گذارند.

۲.۴. مدارا با ویژه‌خواری و انحصارطلبی

انحصارطلبی و ویژه‌خواری در مقابل «ایثار» به کار می‌رود و معنای مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواست‌ها، یا ویژه ساختن خود یا نزدیکان برخلاف منطوق و عقل و فطرت. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۱/ ۲۰۵). به عبارت دیگر یعنی انسان مال و متاع یا چیزی را که مورد نیل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه

خودسازد و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند. (حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۴).

عدالت از گذشته‌های دور یک بحث عامه پسند بوده است و همواره ملت‌ها خواستار اجرای آن در جامعه بوده‌اند، به خصوص در دین اسلام، موضوع عدالت یک بحث محوری است. البته در مقوله عدالت مخالفانی هم دارد که ویژه خواری و انحصارطلبی از موانع بزرگ سد راه اجرای عدالت است. (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

به طوری که رهبران و بزرگان دین اسلام از جمله رهبر معظم انقلاب علیه السلام در سخنان ارزنده خویش مدارا کردن و میدان دادن به اشخاصی که باعث ایجاد و رشد این آفات در جامعه اسلامی می‌شوند را مورد نکوهش قرار داده‌اند.

۲.۴-۱. علل و ریشه‌های انحصارطلبی و ویژه‌خواری

اصلی‌ترین عوامل و ریشه‌های انحصارطلبی (ویژه‌خواری)، خودخواهی، بی‌ایمانی و یا ضعف ایمان است. اگر ایمان و خودخواهی ذاتی انسان را هدایت و مهار نکند، انسان خودخواه، به طور طبیعی، انحصارطلب می‌شود و همه چیز را برای خود و وابستگان خود می‌خواهد و به فرموده امام علی علیه السلام «مَنْ مَلَكَ إِسْتَأْثَرَ» هر کس به فرمانروایی رسید انحصارطلبی پیشه می‌کند. (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۰)

تمام ناتوانایی‌های بشر معلول یک خطای نابخشودنی است که عبارت از مقدم داشتن «می‌خواهم» بر عدالت اجتماعی است. زیرا عدالت اجتماعی آن همای سعادت است که اگر روزی به نفع فرد یا گروهی از انسان‌ها بال و پر بگشاید، روزی هم به ضرر او به پرواز در می‌آید در صورتی که اگر قدرتمندان احساس کنند، عدالت قصد مواخذه آنها را دارد، نه تنها عدالت را به سود خود تفسیر می‌کنند بلکه سفارش مکتبی می‌دهند که در آن «تنازع بقا» منطق اصیل زندگی می‌شود. (مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۹۵۳)

۲.۴-۲. برخی از روایات معصومین در مورد حرمت انحصارطلبی و ویژه خواری

پیامبر خدا ﷺ تا آنجا مراقب انحصارطلبی بود که از هرگونه رنگ و بوی این خصلت زشت نیز اجتناب می‌کرد و اجازه نمی‌داد کسی حتی ایشان را بر خود مقدم بدارد. از این رو هنگامی که بند کفش او در طواف، پاره می‌شود و شخصی به احترام ایشان بند کفش خود را باز می‌کند و به ایشان می‌دهد نمی‌پذیرد و می‌فرماید: «هذه أثره و لا أقبلُ أثره»، این نوعی امتیاز است و من امتیاز را نمی‌پذیرم، اهل بیت پیامبر خدا نیز نه تنها از انحصارطلبی اجتناب می‌کردند بلکه حقوق خود را نیز ایثار می‌کردند. مطالعه سیر عملی آنها در هر دو زمینه به ویژه برای دولت مردان، بسیار آموزنده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۲۰۱/۱). پیامبر خدا ﷺ و ائمه اطهار علاوه بر اجتناب خود از انحصارطلبی و ویژه خواری همگان به ویژه جامعه اسلامی را از این مانع بزرگ سعادت بشر آگاه نموده و بر حرام بودن آن تأکید دارند که به چند نمونه اشاره می‌گردد: پیامبر خدا ﷺ به روایت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: پنج گروه هستند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه آن را لعنت کرده است؛ آن کس که در کتاب خدا آیه‌ای زیاد کند، کسی که سنت و روش مرا رها کند، و کسی که مال عمومی را به خود منحصر سازد و آن را حلال شمارد. «خمسه لعنتهم..... و المستأثر بالفیسی، المستحل له» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۳۹)

امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: هر کس در اموال انحصار طلب باشد هلاک می‌شود. (ابن شعبه حرانی، ص ۱۳۶۳. حکیمی، ۱۳۸۳، ۳/۱۱۸)

استثنا و انحصارطلبی یکی از خطرناک‌ترین رذایل اجتماعی سیاسی است که موجب فساد و انحطاط اجتماعی و سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها می‌شود و ویژه‌خواران و انحصارطلبان ضربه‌های جبران‌ناپذیری به پیکره جامعه اسلامی وارد می‌آورند. بنابراین مبارزه قاطع با آنها در صدر رهبران الهی بوده است و مدارا با این قشر سودجو و انحصارطلب به هیچ وجه مورد قبول شریعت و رهبران دین نبوده و نخواهد بود به همین دلیل رهبر انقلاب نیز مدارا و میدان دادن به آنها را منع نموده است.

بنابراین اگر در هر یک از ارکان قدرت کشور، نقص و نابه‌سامانی باشد، سقف عدالت بر سر مردم سایه نخواهد افکند و عدم نظارت بر رفتار کارگزاران دولتی و عدم برخورد قاطعانه با کارگزاران خاکی و مجرمان دستگاه‌های اداری، دولتی زمینه را برای گسترش ظلم و بی‌عدالتی فراهم ساخته و مدارا با ویژه‌خواران و انحصارطلبان ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره نظام اجتماعی وارد ساخته و مردم را از چشیدن طعم شیرین قسط و عدل در اجتماع محروم می‌سازند.

۵. موانع اقتصادی

برخی از عوامل اقتصادی، تعادل و توازن جامعه را بر هم می‌زند و باعث می‌شود با تبعیض‌ها و تفاوت‌های ویرانگر و ایجاد فاصله‌های طبقاتی مخرب، فقر و نابسامانی عدیده‌ای بر جامعه حاکم سازند که در ذیل این موانع اقتصادی بررسی می‌گردد:

۱.۵. تبعیض در توزیع منابع عمومی

در منطق قرآن کریم همه انسان‌ها از یک سرچشمه و فرزندان یک پدر و مادرند و هیچ فرقی میانشان نیست این مساوات و برابری به تمام معنا در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم وجود داشته است. اسلام تنها تفاخرها و امتیازهای نژادی و اختلاف‌های طبقاتی و برتری‌جویی‌های اجتماعی را نفی کرده. (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲) و با صداقت اعلام نموده است که «أَنْ أُرْمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ» (حجرات: ۱۳)

اما معمولاً در جوامع مختلف، گروهی با توقعات نابجا، از امکانات بیشتری برخوردار می‌شوند. از این رو، دین اسلام، مانع افزون‌طلبی است. قوانین اقتصادی اسلام به گونه‌ای است که ثروت در میان مردم توزیع می‌شود و نه تنها از تجاوز به حقوق دیگران و استثمار و بهره‌کشی جلوگیری می‌گردد، بلکه ثروت مشروع توانگری نیز از راه‌های مختلف تعدیل می‌گردد. (سروش، بی‌تا، ص ۱۱۲). «تبعیض» و تفاوت ناعادلانه نهادن بین افراد و گروه‌های گوناگون، در واقع یک نحوه ظلم است. ظلم از نظر اهل لغت عبارت است از: نهادن چیزی

در غیر جای ویژه آن یا کمتر و یا بیشتر، و یا آنرا در زمان و مکان خود انجام ندادن. در نظام آفرینش هر چیز جایگاه و حد ویژه‌ای دارد که اگر در آن حد و جایگاه قرار گرفت عدل، و اگر قرار نگرفت ظلم است. زیرا موجب ستم گروهی از مردم بر گروهی دیگر است. به عبارتی «تبعیض» را باید یک نحوه «ظلم اجتماعی» یا گروهی دانست. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲) در مکتب اسلام، اصل بر «مساوات و عدالت» در برخورداری از امکانات گوناگون عمومی است و وظیفه حاکم عادل نیز پاسداری از ارزش است. در این آیین، میان مؤمنان رابطه اخوت یا برادری برقرار است. (حجرات: ۱۰) تعبیری همچون اخوت و آئینه بودن مؤمن برای دیگر مؤمنان، همگی از یک بینش ژرف درباره روابط معنوی یکایک افراد جامعه حکایت می‌کند. وجود این روابط و حقوق و تکالیف متقابل میان افراد جامعه، اقتضا می‌کند که مردم، هم نسبت به یکدیگر احساس وظیفه و تکلیف کنند و هم به حقوق یکدیگر وفادار باشند. در چنین بینشی و با تکیه بر چنان روابطی، همگان از حقوق و امکانات مساوی برخوردار خواهند بود. (سروش، بی‌تا، ص ۱۴۶)

امام خمینی (قدس ره) که اندیشه‌های نابش برگرفته از کتاب و سنت است درباره مالکیت در اسلام می‌فرماید: اسلام مالکیت را قبول دارد، ولی قوانینی در اسلام می‌باشد که مالکیت را تعدیل می‌نماید. اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین‌های بزرگ نمی‌شود مالکیت در اسلام به صورتی است که تقریباً همه در یک سطح قرار می‌گیرند. (همان، ص ۱۴۷) رهبر انقلاب علیه السلام هم که رهرو راستین فرهنگ اسلام و امام خمینی علیه السلام است می‌فرماید: «کسب ثروت نه تنها جرم نیست بلکه مورد تشویق نیز هست اما تبعیض در توزیع منابع عمومی به شدت ممنوع است.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب)

۲.۵. شکاف طبقاتی و غفلت از نشر نیازمند

در جامعه‌ای عدل و داد به فراموشی سپرده شده و امکانات عمومی، ناعادلانه توزیع گردد، پیدایش دو قطب محروم و ثروتمند قطعی خواهد بود و این معضل اجتماعی در برگزیده دهها و صدها معضل دیگر است. به عبارتی فقر و محرومیت با همه گستردگی آن

تنها یکی از آثار دردناک بی‌عدالتی است. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵)
 لذا امام علی علیه السلام دلیل پذیرش خلافت را در خطبه ۳ نهج‌البلاغه این گونه بیان می‌فرماید:

«اگر عهد و پیمان خدای یکتا از دانایان نبود که نباید بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم، رضایت دهند و هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم و جام آفرینش را به جام اولین آن سیراب می‌کردم.» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰). پس شکاف طبقاتی که در شکل شکم بارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان نمایان می‌شود، چنان دردناک و مصیبت زاست که عالمان دین اجازه سکوت در مقابل آن را ندارند. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام که تعلیم یافته همین مکتب است نیز در این مورد سکوت ننموده‌اند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف این مسئله را گوشزد نموده‌اند، و ایجاد شکاف طبقاتی را نوعی عقب‌ماندگی می‌دانند و می‌فرمایند: باید همه تلاش ما این باشد که عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم. من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی بزرگترین مسئولیت ماست و باید این شکاف بین فقیر و غنی را پر کنیم. (بانک جامع بیانات مقام معظم رهبری، ص ۸۲۳۴)

و در بیانیه خویش در توصیه به جوانان که امیدهای آینده کشور هستند می‌فرماید: دل‌های مسئولان باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بیمناک باشد و غفلت از قشر نیازمند به هیچ روی مورد قبول نیست. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>))

بنابراین یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، این است که با وضع قوانین عادلانه و نظارت صحیح برای آن، از هر گونه افزون‌خواهی افراد جلوگیری نموده و به آنان اجازه ندهد که به هر طریقی با برهم زدن تعادل اقتصادی و اجتماعی باعث ایجاد تبعیض و شکاف

طبقاتی بین فقیر و غنی و به تبع آن جامعه را از مسیر عدالت منحرف نموده و به ورطه ظلم و بی‌عدالتی سوق دهد.

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی، اصطلاحی سیاسی - اجتماعی است به این معنا که هر کس به تناسب شایستگی‌های فردی، اجتماعی، صنفی، طبقاتی خود بتواند در جایگاه شایسته‌ی خویش قرار گیرد. این مقصود و مطلوب همه‌ی جوامع به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران است که متأسفانه مورد غفلت برخی از مردم به ویژه مسئولین و کارگزاران نظام قرار گرفته است. این در حالی است که رهبران جامعه از جمله مقام معظم رهبری علیه‌السلام در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به اهمیت و ضرورت اجرای این گم‌شده‌ی جوامع اشاره نموده‌اند. در راستای اجرای عدالت اجتماعی، موانعی از جمله؛ موانع اخلاقی، موانع سیاسی اجتماعی و موانع اقتصادی، وجود دارد که با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب که یکی از مهمترین و اساسی‌ترین بیانات رهبر وارسته و حکیم انقلاب علیه‌السلام است، و به اهمیت عدالت و مبارزه با فساد، اشاره نموده‌اند پرداخته شده است. این موانع عبارتند از: فساد، وسوسه‌ آمیالی مثل مال و مقام و ریاست، حرص و طمع و حرام‌خواری (لقمه حرام) است و منشأ این آفات در واقع چیزی جز پیروی اشخاص از هواهای نفسانی آنها نیست و بهترین راه برطرف کردن این مانع، تلاش برای جهاد با نفس و تزکیه می‌باشد. بخشی از این موانع ناظر به قوای سه‌گانه و عدم نظارت و قاطعیت آنها نسبت به بخش‌های مرتبط و ذی‌ربط آنها می‌شود که رفع این مانع نیازمند نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع بر عملکرد آنهاست. مدارا و میدان دادن به فریبکاران اقتصادی که با خودخواهی‌های ظالمانه خود، ضربه‌های سهمگین بر پیکره نظام اجتماعی وارد می‌آورند، یکی دیگر از موانع بزرگ اجرای عدالت اجتماعی که صلابت و استواری همه‌ی مسئولین به ویژه قوه قضائیه را می‌طلبد تا مسیر بهره‌برداری‌های سودجویانه این قشر را محدود و در صورت ممکن آنها را اصلاح کرده و در غیر این صورت به اشد مجازات برسانند.

تبعیض در توزیع منابع عمومی و در نهایت ایجاد شکاف طبقاتی و پیدایش دو قطب محروم و ثروتمند از دیگر موانع اجرای عدالت است که رهبر انقلاب علیه السلام این مانع را نوعی عقب ماندگی تلقی می‌کنند و برای پیشرفت همه جانبه کشور به ویژه هموار کردن مسیر عدالت، باید این موانع و آثار توأم با آن برطرف شود. در مسیر اجرای عدالت اجتماعی تحقیقات بسیاری انجام گرفته است ولی تحقق کامل این امر حیاتی، علاوه بر کسب معرفت و علم نسبت به موانع آن مستلزم بسیج همگانی و حرکتی مصمم با گام‌هایی استوار است. در پایان پیشنهاد می‌شود تا به بررسی راهکارهای اخلاقی و اجتماعی اجرای عدالت اجتماعی نیز پرداخته شود، تا بتوان گام موثری در راستای تحقق عدالت اجتماعی برداشته شود.

منابع

قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.

منابع فارسی

۱۵. احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۱ ه ش، «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه»، قم، چاپ اول، موسسه بوستان کتاب.
۱۶. افرام بستانی، فواد، ۱۳۷۵ ه ش، فرهنگ ابجدی، تهران، چاپ دوم، انتشارات اسلامی.
۱۷. انصاریان، حسین، بی تا، تفسیر حکیم، قم، چاپ اول، نشر دارالعرفان.
۱۸. پرور، اسماعیل، ۱۳۸۰ ه ش، اصلاحات: راههای مبارزه با فقر فساد و تبعیض، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی.
۱۹. جاویدی، مجتبی، ۱۳۸۵ ه ش، قاموس عدالت، تهران، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. حیدری نراقی، علی محمد، ۱۳۹۰ ه ش، اخلاق نراقی، قم، چاپ اول، انتشارات مهدی نراقی.
۲۱. حکیمی، محمد، ۱۳۷۹ ه ش، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد مقدی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۲. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰ ه ش، الحیاه، ترجمه؛ احمد آرام، ج ۳، تهران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. خاتمی ساروی، عطیه، ۱۳۹۶ ه ش، معیارهای روابط اجتماعی موفق از منظر قرآن، قم، مرکز نشر هاجر، چاپ اول.
۲۴. خامنه ای، علی، ۱۳۹۰ ه ش، بانک جامع بیانات مقام معظم هبری، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۲۵. سروش، محمد، بی تا، استکبار و استضعاف در قرآن، قم، چاپ اول، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ ه ش، تفسیر نور، ج ۱۰، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس هایی از

قرآن.

۲۷. کریمی نیا، محمدعلی، ۱۳۷۷ ه. ش، تربیت اجتماعی، قم، چاپ اول، انتشارات پارسیان.
۲۸. محدثی، جواد، ۱۳۹۲ ه. ش، زندگی مهدوی (اخلاق و اوصاف منتظران)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۸ ه. ش، گزیده دانشنامه امیرالمؤمنین، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۰. -----، بی تا، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱، قم، (ترجمه؛ رضا شیخی)، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۱. مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۸۵ ه. ش، پرتوی از دهه مهدویه، اصفهان، مرکز جهانی حضرت ولی عصر (عج الله).
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷ ه. ش، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم، چاپ اول، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۳۳. هاشمی، ایوب، هاشمی، ریحانه، ۱۳۹۳ ه. ش، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی در شعر فارسی، قم، صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهشهای اسلامی.
۳۴. منابع عربی
۳۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ه. ش، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین.
۳۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۷ ه. ش، معانی الاخبار، ج ۲، ترجمه محمدی، تهران، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. شریف رضی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ه. ق، نهج البلاغه، قم، چاپ اول، انتشارات هجرت.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه. ق، اصول کافی، ج ۱، محقق علی اکبر غفاری محمد آخوندی، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ه. ق، بحار الانوار، ج ۱۶، بیروت، چاپ دوم، دارالحیاء التراث العربی.
۴۰. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۱۳ ه. ق، الاختصاص، قم چاپ اول، المؤتمر العالمی لالفقیه الشیخ المفید.

۴۱. -----، ۱۴۱۳ ه ق، الأمالی (للمفید)، قم، چاپ اول، کنگره شیخ مفید.
۴۲. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام، ۱۳۶۰ ه ش، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، تهران، چاپ اول، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

مقالات و سایت‌ها

۴۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴ ه ش، «سوژه سخنرانی فاطمیه»، مجله مبلغان، قم، حوزه علمیه قم، چاپ اول، مرکز مدیریت.
۴۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، www.vajeab.com
۴۵. خامنه‌ای، علی، ۹۷/۱۱/۲۲، «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران» farsi.khamenei.ir
۴۶. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱ ه ش، «مدیریت اسلامی»، اصفهان، www.madiryar.com
۴۷. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ ه ش، «مدیریت علوی»، اصفهان، www.madiryar.com

۲

اقتصاد
